

# آب و آینده صلح در خاورمیانه

آیا جنگ بعدی در خاورمیانه بر سر آب خواهد بود؟ احتمالاً نه. اما آب به طور روز افزونی در این منطقه نایاب تر می شود و کشورهای واقع در آن برای استفاده بهینه از آب مجبورند تلاش و مشارکتی همه جانبه انجام دهند.

آب در خاور میانه از بسیاری نقاط دیگر جهان نایاب تر است و هر روز هم نایاب تر می شود. لبنان تنها بخش کوچک خاورمیانه است که بیش از حد متعارف آب دارد. هر چهار سال منطقه خاورمیانه در معرض کم آبی و خشکسالی قرار می گیرد. رودخانه ها و منابع قابل تجدید زیرزمینی نیمی از آب خاورمیانه را تأمین می کنند، اما تا ربع اول قرن ۲۱ مصرف آب خاورمیانه به چهار برابر امروزی می رسد. باینحال کمتر منبع آب شیرین بلا مصرف و یا سد ساخته نشده ای در این منطقه وجود دارد.

کشاورزی در خاورمیانه که دست کم ۸۰ درصد آب منطقه را می بلعد، بیشتر با خطر کم آبی مواجه است. از سوی دیگر جمعیت خاورمیانه هر ۲۵ سال دو برابر می شود و مردم به شهرها کوچ می کنند و سطح زندگی آنها ارتقاء می یابد. بعضی از شهرها هم اکنون از کم آبی رنج می برند. در شهر تعز (Taiz) در یمن، هر ۲۱ روز یکبار آب در لوله ها جاری می شود؛ در امان، پایتخت اردن، آب جسیره بندی است و آب غیر جسیره بندی تانکرهای آب گرانتر از آن است که فقرا توان خریدش را داشته باشند.

هر جا که در خاورمیانه آب وجود دارد اغلب اختلاف هم هست. بزرگترین رودخانه های خاومیانه از بیرون این منطقه منشاء می گیرند و لذا تقسیم آب همواره مورد نزاع است.

تنها توافق رسمی که بر سر تقسیم آب در خاورمیانه انجام شده موافقت نامه سال ۱۹۵۹ بر سر رود نیل است که هنگام احداث سد آسوان بین سودان و مصر منعقد شد، اما هم اکنون هم دولتهای مسالک واقع در اراضی سفلی نیل می ترسند که کشورهای واقع در علیای نیل مسیر سرچشمه ها را تغییر دهند.

اکنون این پرسش مطرح می شود که آیا این کمبود به جنگ منجر خواهد شد؟ هر چند ورد زبان همه است که جنگ بعدی خاورمیانه بر سر آب خواهد بود، اما به احتمال زیاد جنگی در نخواهد گرفت.

حقیقت این است که جنگها معمولاً بر سر چیزی کم اهمیت تر و احمقانه تر از آب رخ می دهند. با آنکه آب در خاورمیانه جریان خون کشورهای منطقه است، اما در شرایط کنونی بخاطر آن جنگی در نخواهد گرفت.

یکی از دلایل مهم غیرمتحمل بودن جنگ آب در خاورمیانه این است که سه کشور دارای اختلاف در مورد آب، از لحاظ نظامی دارای قدرت یکسانی نیستند. یکی از سه کشور آنقدر قوی است که می تواند برغم مخالفت همسایگانش آب را در بد قدرت خود بگیرد. در مورد نیل و رود اردن، کشورهای غالب- مصر و اسرائیل- در پائین دست رود قرار دارند اما از طریق مجادله، تهدید یا اشغال نظامی، دولتهای بالادستی را واداشتند با جریان آب کاری نداشته باشند. در سرزمین مورد اختلاف، یعنی رودخانه فرات، ترکیه در بالا دست قرار دارد و آنقدر قوی است که علی رغم مخالفت دو کشور پائین دست رود- یعنی سوریه و عراق- هر آنچه می خواهد با آب می کند.

دولتهای ضعیف تر که در استفاده از سفره های آبهای زیرزمینی شریک هستند از اینکه قوی ترها هر آنچه می خواهند می کنند، آزاده اند. اما به خاطر ضعف نظامی قادر به نشان دادن عکس العمل نیستند. از سوی دیگر کشورهای ضعیف تر نمی توانند با یکدیگر علیه قوی ترها متحد شوند. یاد آوری می کنیم تنها کشوری که برای دفاع از منابع آبی خود و غصب منابع آبی دیگران متوسل به جنگ شد اسرائیل بود که البته از لحاظ نظامی ابر قدرت منطقه است.

## از نیل تا فرات

همه آب مصر از نیل تأمین می شود لذا این کشور برای ادامه خویش به آب نیل وابسته است. آب آبیاری مصر سه تا چهار بار باز یافت می شود. اما مصر باید آب نیل را با ده حکومت دیگر شریک باشد بی آنکه بارش سالیانه باران و یا اشعایاتی در مصر به حجم رود نیل بیفزاید.

رود نیل آبی رنگ از کوهپایه های اتیوپی سرچشمه می گیرد، رود نیل سفید در کوهستانهای آفریقای مرکزی جریان می یابد (اما در سر راهش تا مصر بخش اعظم آب خود را در باتلاق های جنوب سودان بر جا می گذارد).

اتیوپی که قسمت اعظم آب نیل از آن سرچشمه می گیرد از خشکسالی های مداوم و وحشتناک در عذاب است و سخت به ذخیره آب و افزایش تولید محصولات غذایی نیاز دارد. بنابراین مصر آسیب پذیر است. مصر به صرف قدرت اقتصادی و نظامی بیشتر، بهره مندی از رود نیل را حق تاریخی خود قلمداد کرده است. اتیوپی برای اجرای پروژه های آبیاری خود پول ندارد و مصر با قلدری می تواند از ارسال کمکهای مالی بین المللی به این کشور

جلوگیری کند.

مصر با سودان عبوس تر برخورد می کند. شرایط موافقت نامه ۱۹۵۹- که جریان نیل را به نسبت ۳ به ۱ به نفع مصر تقسیم می کند- ریشه کینه های فروخورده بین دو کشور است. هر چند جنگ داخلی سودان سبب شد که در ۱۹۸۵ کار احداث کانال جنگلی (Jonglei) متوقف گردد. کانال جنگلی طرح مشترک مصر و سودان بود که میلیاردها متر مکعب آب نیل را از هرز رفتن در باتلاق های جنوب سودان نجات می داد.

اما تابستان امسال، حسنی مبارک این ضرورت را احساس کرد که رژیم اسلامی سودان را از هرگونه دخالت در آب رودخانه نیل بر حذر دارد و هشدار دهد که دخالت سودان تحمل نخواهد شد.

وضعیت رود فرات عکس رود نیل است، در اینجا دولت قوی بالا دست با عزمی راسخ جریان آب را منحرف می سازد و دولتهای ضعیف پائین دست را به دردمر می اندازد. از آنجا که دو دولت ضعیف پائین دست با هم روابط خوبی ندارند اتحادی علیه دولت قوی، یعنی ترکیه، در کار نیست. فرات و دجله هر دو از ترکیه سرچشمه می گیرند. سرچشمه دجله و فرات کوهستانهای شرق آناتولی است. دجله نیمی از آب خود را از کوهستانهای شمال عراق می گیرد اما ۹۰ درصد آب فرات در ترکیه تأمین می شود.

اکنون ترکیه اجرای یک طرح بزرگ آبیاری را در جنوب شرقی آناتولی آغاز کرده است و می کوشد از طریق توسعه اقتصادی در آن منطقه اعتراضات سیاسی کردها را فرونشاند. اگر این طرح تکمیل شود سهم آب سوریه و عراق از فرات به ترتیب تا ۴۰ و ۶۰ درصد کاهش خواهد یافت.

سوریه که بیش از عراق از کمبود آب در رنج است، از کاهش آب فرات بسیار آسیب می بیند. جالب است که از دو کشور نامهربان به یکدیگر، یعنی عراق و سوریه، کاری جز اعتراض بر نمی آید، اعتراض عراق و سوریه سبب شد که ترکیه نتواند از بانک جهانی برای تأمین هزینه این طرح آبیاری پول بگیرد اما ترکیه با سرسختی کار را ادامه داد و به مقاطعه کاران پول رایج ترکیه را پرداخت و آنها هم پذیرفتند.

## رود اردن و بحرمان

جنگ بر سر نیل و فرات بحرمان های آینده خاورمیانه اند اما بر سر رود اردن جنگی در نخواهد گرفت. قرار است هرچه زودتر در مورد رود اردن و حتی سفره های زیرزمینی آب در ساحل غربی رود

اردن تصمیم‌گیری شود. در گذشته حل این نوع اختلافات به آینده موکول می‌شد. در آن موقع اسرائیل هیچ آمیدی به صلح با همسایگان خود نداشت بنابراین آب غصبی را به هیچ وجه تقسیم نمی‌کرد. اما با برقراری صلح، اسرائیل به دلائل منطقی باید راه حلی عادلانه‌تر برای تقسیم آب بیابد. به همین جهت مجبور است از فشار خود بر سر بهره‌برداری از آبهای دریاچه‌ها، سفره‌های زیرزمینی و چاهها بکاهد.

در جایی که رود اردن به اریحا می‌رسد، تیره رنگ، باریک و شور مزه است. اریحا نقطه تلاقی اردن، اسرائیل و ساحل غربی است که سرچشمه‌های رودهای فرعی منشا گرفته از لبنان، سوریه، اردن و اسرائیل در آنجا به رود اردن می‌ریزند. کل جریان رود اردن یک درصد رود نیل است اما شور و احساساتی را برمی‌انگیزاند که صددرصد بیش از رود نیل است. در اوایل دهه ۱۹۶۰ سربازان اسرائیلی از اجرای طرح سوریه- اردن برای انحراف مسیر رود اردن جلوگیری کردند. اسرائیل در جنگهای بعدی علیه سوریه، اردن و لبنان بر بخش‌های حیاتی سرچشمه‌ها تسلط یافت؛ در دهه ۱۹۷۰ تهدیدهای ضمنی اسرائیل نسبت به کانال شاه عبدالله (که به اردن امکان آبیاری مزارع و پمپاژ آب به امان را می‌دهد) شاه حسین را مطیع اسرائیل نگاه داشت. بطور کلی حفاظت رشک‌آمیز اسرائیل از آبهایی که فکر می‌کند بر آنها حق مالکیت دارد- طبق آرمانهای صهیونیستها باید بیابانهای اسرائیل شکوفا شود- بهترین توجه برای جنگهای چند دهه اخیر در خاورمیانه است. بیشترین قسمت آب بالا دست رود اردن و انشعابات فرعی آن در دریای جلیلیه ذخیره می‌شود و از آنجا کامیون‌های دولتی اسرائیل آب را به شهرها، مزارع و بیابانهای اسرائیل حمل می‌کنند. طبق مفاد پیمان صلح سال گذشته اسرائیل و اردن، سهم اردن از این آب افزایش خواهد یافت، هر چند اسرائیل چگونگی افزایش سهمی آب اردن را تعیین خواهد کرد!

ساحل غربی رود اردن که طبق برنامه‌های دهه ۱۹۵۰ باید سهمی از آب رود اردن برد مستقیماً آبی از رودخانه دریافت نخواهد کرد.

در عوض آب ساحل غربی و غزه با تانکرهای اسرائیلی و سهمتر از همه با چاههایی که بر روی سفره‌های زیرزمینی حفر شده است تأمین می‌گردد.

سفره‌های زیرزمینی ساحل غربی رود اردن آب خود را از بارش باران بر روی تپه‌های منطقه دریافت می‌کنند. سفره‌های زیرزمینی شرقی تماماً در داخل محدوده ساحل غربی رود اردن قرار دارند و آب مورد نیاز فلسطینیان و ساکنان اسرائیل را تأمین می‌کنند.

سفره‌های غربی و شمالی کمی به طرف اسرائیل پیشروی کرده‌اند، بنابراین اسرائیل ۸۰ تا ۹۰ درصد آب این سفره‌های زیرزمینی را به درون لوله‌های سراسری آب خود منتقل می‌سازد که بیش از ۲۵ درصد کل آب مصرفی اسرائیل را شامل می‌شود.

کشورهای پائین دست سفره‌های زیرزمینی آب

مثل کشورهای پائین دست رودخانه‌ها حق دارند که در منبعی مشترک با کشورهای بالا دست شریک باشند. به یک مفهوم، این کشورهای پائین دست از سفره‌های زیرزمینی آسانتر از رودخانه‌ها بهره‌مند می‌گردند زیرا بر سفره‌های زیرزمینی سد زده نمی‌شود و یا مسیر آنها منحرف نمی‌گردد.

آنچه که برای اکثر ناظران مطرح است این است که اسرائیل مانند اسفنجی بزرگ همه آب را جذب می‌کند و فلسطینیان را به خشکی می‌بندد. در این جا مفهوم «تقسیم مساوی» که در قلب قوانین بین‌المللی توزیع آبهای رودخانه‌ها و سفره‌های زیرزمینی نهفته است رعایت نمی‌گردد.

مصرف سرانه جمعیت ۵/۵ میلیون نفری اسرائیل سه تا ۴ برابر جمعیت دو میلیون نفری فلسطینیان است. فلسطینیان که از حفر چاه جدید یا تعمیق چاههای قدیمی منع شده‌اند دچار کمبود آب هستند.

هنگامی که چمن‌های سبز و استخرهای پرآب اسرائیل را با دهکده‌های خشک و اردوگاه‌های غوطه‌ور در فاضلاب فلسطینی‌ها مقایسه می‌کنیم متوجه واقعیت نفرت‌انگیز کمبود آب می‌شویم.

آنچه که در ساحل غربی بد است معمولاً در نوار غزه بدتر است و آب یا تا حدی نبود آب، از این فاعده مستثنی نیست. اهالی غزه، مانند اهالی ساحل غربی رود اردن از لوله‌های سراسری اسرائیل آب اندکی برای مصارف خانگی بدست می‌آورند.

اهالی غزه به آبی حدود دو برابر آنچه که باید از سفره‌های زیرزمینی پمپ شود نیاز دارند. آب دریا به این سفره‌های زیرزمینی نفوذ می‌کند و آب را آنقدر شور می‌سازد که درختان مرکبات را می‌خشکاند. اسرائیلی‌ها که در این سفره‌های زیرزمینی شریک نیستند اهمیتی هم به مراقبت از آن نمی‌دهند.

فلسطینیان که در طول سالها به مصرف‌کنندگان صرف آب تبدیل شده بودند، هنگامی که گفتگوهای خود را بر سر آب، به عنوان بخشی از توافق‌نامه موقتی صلح آغاز کردند، کوشیدند تا خویش را از مهلکه کمبود آب برهانند. آنان بر سر حقوق خود نسبت به آب اصرار ورزیدند و خواستار تخصیص مجدد منابع و مدیریت مشترک بر آنها شدند. اما اسرائیلی‌ها خواستار هیچ‌گونه تغییری در توزیع و استفاده آب نبودند، زیرا وضع موجود به نفع آنهاست. نهایتاً اسرائیلی‌ها پذیرفتند که فلسطینیان سهم بیشتری از آب ببرند اما وظیفه میرآبی را برای خود حفظ کردند تا هر وقت لازم شد بتوانند آب را از فلسطینیان دریغ کنند.

#### از مزرعه تا خانه

بیش از ۸۰ درصد آب خاورمیانه صرف آبیاری محصولات کشاورزی می‌شود. اگر برای مثال ۱۰ درصد از این آب برای مصارف خانگی یا صنعتی اختصاص یابد، دولت‌های منطقه با نیاز روز افزون شهرها دست و پنجه نرم خواهند کرد.

یافتن منابع نوین غیرستی آب چندان دشوار نیست اما شیرین‌سازی آب دریا یا هر آب شور دیگری بسیار گران تمام می‌شود، هر چند برای کشورهای صادرکننده نفت در خاورمیانه هزینه تأسیس کارخانه‌های شیرین‌سازی آب دریا کمتر شگفت‌ناگ نیست. برای اسرائیل نیز که نفت ندارد اما از درآمد سرانه بالایی برخوردار است، شیرین‌سازی آب با صرفه است.

#### فرق آب و نفت!

منطقه خاورمیانه در حال حاضر نیمی از مواد غذایی خود را از خارج وارد می‌کند. اما هدف خودکفائی غذایی همچنان در اذهان حکومت‌های منطقه جا دارد. حکومتها به خودکفائی غذایی به عنوان شکلی از امنیت ملی می‌نگرند. آنها نمی‌خواهند روستاها را خالی از سکنه کنند و بر فشار جمعیتی شهرهای خود بیفزایند. اعراب نمونه وحشت‌آور عراق را پیش رو دارند: کشوری از لحاظ درآمد نفتی غنی، اما از لحاظ کشاورزی فقیر.

این کشور که با خرسندی اکثر غذای مصرفی خود را وارد می‌کرد ناگهان دچار تحریم نفتی شد و اکنون در حالت نیمه قحطی قرار دارد و بیش از نیمی از جمعیت آن قوت لایموت خود را به سختی به چنگ می‌آورند.

گامی اساسی به سوی بدست آوردن آب واقعی را پروفیسور فراتکلین فیشر از مؤسسه تکنولوژی ماساچوست (M.I.T.) پیشنهاد کرده است. او سرپرستی یک گروه کارشناسی هاروارد را برای دو سال به عهده داشت. گروه او برای همه آبهای مورد اختلاف اسرائیل، اردن و فلسطین ارزش و قیمت پولی در نظر گرفت و معین کرد. به موجب نظر این گروه ارزش کل آب مورد اختلاف ۱۱۰ میلیون دلار در سال است و به طور حتم ارزش جنگیدن ندارد. این گروه استدلال می‌کنند که حق مالکیت بر آب را می‌توان موقتاً با چیزهای دیگری نظیر پیمان صلح تاخت زد.

شاید آب با پیمان صلح قابل تاخت زدن باشد اما آب هم مانند خون ارزش حیاتی دارد و ارزش حیاتی را هیچ کامپیوتری نمی‌تواند حساب کند. جان می‌آورد، کارشناس آب بانک جهانی می‌گوید خون را می‌توان با قیمت معینی به بانک خون فروخت اما برای کسی که این خون را دریافت می‌کند ارزش آن قابل محاسبه است؟

طبق تعالیم اسلام آب، منشاء حیات است. آب نفت نیست. کشورها شاید بر سر نفت بجنگند اما احساسات و عاطفه آنها بر سر نفت برانگیخته نمی‌شود. آب برخلاف نفت شور و احساسات مردم مسلمان را برمی‌انگیزاند. هر چند قیمت آبهای مورد اختلاف اردن، اسرائیل و فلسطین ۱۱۰ میلیون دلار است اما امکان خیزش مردم منطقه بر سر مسأله آب بسیار زیاد است.

ماخذ: هفته‌نامه اکولومبست (خلاصه شده) برگردان از سرویس ترجمه گزارش،

